

منطقه پیدایش اسلام

قبایل عرب بر اساس تبار و نژاد به دو گروه جنوبی یا یمنی (قحطانی) و شمالی (عدنانی) که خود قبایل و عشایر مختلفی داشتند و در مناطق تهامه، نجد، یمامه، حجاز، شام و عراق پراکنده بودند، تقسیم می‌شدند. بسیاری از قبایل جنوبی به مناطق شمالی نقل مکان کرده بودند و بیشتر اعراب ساکن مناطق شمالی صحرا نشین بودند و به طور عمده به شترپروری و شترداری اشتغال داشتند. در هنگام ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان اعراب سه دسته بودند:

اعراب بائده: قدیمی‌ترین قوم اعراب که پیش از همه در عربستان می‌زیستند، اما نسل‌شان منقرض شده بود.

اعراب نجد: این قوم در شرق شبه جزیره زندگی می‌کردند و نام عربستان را به نام جد خودشان، یعنی عربستان سعودی قرار دادند.

اعراب حجاز: اصیل‌ترین قوم عرب بودند که در شمال و غرب شبه جزیره ساکن بودند و به دلیل وجود کعبه محترم‌ترین قوم عرب به حساب می‌آمدند.

ابوالقاسم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم (۵۷۰- ۶۳۲) بنیانگذار و پیامبر دین اسلام و در نظر مسلمانان، آخرین و بزرگترین پیامبر در سلسله پیامبران خدا می‌باشد. مسلمانان محمد را تحویل دهنده کتاب آسمانی قرآن و بازگرداننده آیین اصلی و تحریف نشده یکتاپرستی (یا همان دین آدم، ابراهیم، موسی، نوح، عیسی و سایر پیامبران پذیرفته شده در اسلام) می‌دانند. او همچنین به عنوان یک سیاست‌مدار، بازرگان، فیلسوف، خطیب، قانون‌گذار، اصلاح‌طلب، فرمانده جنگی، و برای مسلمانان و پیروان برخی مذاهب دیگر مأمور تعلیم فرامین الهی محسوب می‌شود. به عقیده مسلمانان و به تصریح قرآن، محمد قبل از دریافت وحی یا بعثت همچون پدران‌ش به دین حنیف که آنرا آیین ابراهیم و برمبنای یکتاپرستی می‌دانند، بوده‌است.

محمد در سن ۴۰ سالگی به پیامبری برگزیده شد و در بین مردان علی بن ابیطالب و در بین زنان خدیجه اولین کسانی بودند که به وی ایمان آوردند. محمد تا سه سال پس از بعثت دعوت خود را آشکار نکرد و پس از سال سوم با وحی از طرف خداوند، دعوت خود را آشکار نمود. اولین گروهی که محمد آن‌ها را آشکارا به اسلام دعوت نمود، عمو زادگان خود، مردان بنی هاشم بودند. پس از آن به کوه صفا رفت و تمام قریش را آشکارا به اسلام دعوت نمود.

در ابتدا سران قریش نسبت به دعوت محمد بی‌اعتنا بودند، اما زمانی که محمد به تمسخر بت‌ها پرداخت، سران قریش نیز تصمیم به مقابله با محمد گرفتند. اولین اقدام آن‌ها گفتگو با ابوطالب بود تا او محمد را از اسلام خواهی باز دارد، ابوطالب نیز به خواست آنان با محمد به گفتگو پرداخت که محمد نیز در جواب، وعده‌ها و پیشنهادات آنان را رد کرد. اینکار چندین بار توسط اعراب صورت گرفت تا در نهایت محمد عزم راسخ خود در این راه را با ابوطالب در میان گذاشت و او نیز در جواب خود را حامی و همراه محمد خواند.

سران قریش پس از آنکه کمک خواستن از ابوطالب را بیهوده دیدند، تصمیم به یاری جستن از یهودیان مدینه گرفتند، علمای یهود نیز سه سؤال را برای پرسیدن از محمد مطرح کردند و گفتند اگر محمد پاسخ این‌ها را بداند، در پیغمبری او شکی نیست؛ سران قریش زمانی که به مکه بازگشتند آن‌ها را از محمد جویا شدند، محمد نیز به آنان قول پاسخ گویی داد، تا آنکه پس از ۱۵ روز، درست زمانی که سران قریش احساس پیروزی می‌کردند، پاسخ آن‌ها را داد. جبرئیل دلیل این تأخیر را اعتماد به خود داشتن محمد و نه توکل بر خداوند عنوان کرد و از او خواست تا بعد از آن فقط بر اراده خداوند توکل کند.

پنج سال پس از بعثت محمد، فاطمه از خدیجه متولد شد. از سوی دیگر با افزایش تعداد مسلمانان، بت پرستان قریش نیز آزار و اذیت خود را بیشتر کرده و حتی آنان را شکنجه می‌کردند. در این بین

سمیه اولین زنی بود که در راه اسلام کشته شد و بسیاری از صحابه محمد، چون بلال، عمار و یاسر نیز مورد شکنجه‌های سخت قرار می‌گرفتند.

هجرت مسلمانان به حبشه

عده‌ای برای رهایی از شر و آزار «قریش»، به منظور تحصیل یک محیط آرام، برای بپا داشتن شعائر دینی و پرستش خدای یگانه، تصمیم گرفتند، که خاک «مکه» را ترک گویند، و دست از کار و تجارت، فرزند و خویشان بردارند؛ ولی متحیر بودند چه کنند، کجا بروند. زیرا می‌دیدند سرتاسر شبه جزیره را بت‌پرستی فرا گرفته است، و در هیچ نقطه‌ای نمی‌توان ندای توحید را بلند نمود، و دستورات آئین یکتاپرستی را برپا داشت. با خود فکر کردند بهتر این است که مطالب را با خود پیامبر در میان بگذارند. پیامبری که آئین او بر اساس «إِن أَرْضِي وَاسِعَهُ فَإِيَّاي فاعبدون» است. یعنی: «سرزمین خدا پهناور است نقطه‌ای را برای زندگی بگزینید که در آن جا توفیق پرستش خدا را داشته باشید».

هجرت محمد و مسلمانان به مدینه

سال هجرت محمد از مکه به مدینه، ۱۳ سال پس از بعثت در سپتامبر ۶۲۲ میلادی (ربیع‌الاول/شهریور سال اول هجری) مبدأ تاریخ مسلمانان موسوم به تاریخ هجری می‌باشد که در زمان خلافت عمر بن خطاب وضع گردید.